اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۳۴)

غبار (۲)

منطقه آلوده

در قسمت قبل بیان شد که بعضی محدوده ها هست که نباید نزدیک آن شوید. خدای رحمان فرموده است که در حالت سکارا به نماز نزدیک نشوید (يَا أَيُّهَا الَّذِين آمَنُوا لاَ تَقْرَبُوا الصَّلوة وَ أَنْتُم سُكَارَي) **یا جای دیگری فرموده است که نزدیک زنا نشوید** (وَ لاَ تَقْرَبُوا الزِّنَى)**. لیست آیه هایی که عبارت لاتقربوا در آن ذکر شده است:**

۱- ... تِلْك حُدُودُ الله فَلاَ تَقْرَبُوهَا ...

۲- ... لاَ تَقْرَبُوهُن حَتَّي يَطْهُرْن ...

۳- ... لاَ تَقْرَبُوا الصَّلاَة وَ أَنْتُم سُكَارَي ...

٤- ... لاَ تَقْرَبُوا الْفَوَاحِش مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَن ...

٥- ... لاَ تَقْرَبُوا مَال الْيَتِيم إِلاَّ بِالَّتِي هِي أَحْسَن حَتَّي يَبْلُغ أَشُدَّه ...

٦- ... لاَ تَقْرَبُوا الزِّنَي ...

۷- ... وَ لاَ تَقْرَبَا هَذِه الشَّجَرَة ...

همچنین گفته شد که خود نزدیک شدن به این محدوده‌ها از ارتکاب آن خطرناک‌تر است. بعضی محدوده‌ها و حالات را نباید نزدیکش شوید، زیرا این محدوده‌ها و مرزها ما را وارد دنیای دیگری می‌کنند و ممکن است وارد یک فضای دیگری شوید که نتوانید خود را از آن دور نگه دارید و در آن فضای جدید حل شوید.

خاصیت مهم دیگری که در نزدیک شدن به خط قرمزها رخ میدهد، نمایان شدن جهنم است. در این محدوده ها، خصوصیات جهنمی ظاهر میشوند. در نزدیک شدن به محدوده های قرمز، جهنم نمایان و ظاهر میشود. این نکته بسیار بسیار مهمی است که نکات مهمی را در خود دارد. در آخر الزمانها

تجاوز به این حریمها خیلی زیاد میشود و شرایط ناخوشایندی برقرار میشود. در نزدیکیهای آخر الزمان اصلی، تجاوز به این خط قرمزها قانونی میشود و بشر تکلیف خودش را مشخص میکند و به همین خاطر است که خدا و فرشتگان وارد آسمان یکم شده و جهنم را خواهند آورد که در اصل جهنم جایگاه واقعی این خط قرمزهاست. آن روز جهنم با تمام این خط قرمزها ادغام میشود، نتیجتا تمام کسانی که در این خط قرمزها به سر می برند، در همان جهنم می مانند.

وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّم يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَان وَ أَنَّي لَه الذِّكْرَي (فجر: ٢٣)

و در آن روز جهنم را حاضر می‌کنند (آری) در آن روز انسان متذکّر می‌شود امّا این تذکّر چه سودی برای او دارد؟!

آدمها در این دنیا، از ترس به روشهای جهنمی پناه می برند. مثلا از ترس اینکه زشت نشوند، شروع میکنند بهِ اعمال کارهای غیرضروری و مضر و خود را در حیطه ای مضر قرار میدهند. آنها ضررات و عواقب آن را به جان می خرند.

به این طریق نتیجه می گیریم که لایه ای از جهنم از جهاتی در همین دنیا پنهان و برقرار است و در همین محوطه های لاتقربوا میتوان آن را دید و البته باید خود را از آن بیرون کشید. به قول قرآن، جهنم یک تله است که در این دنیا میتواند در محوطه های قرمز آدمیان را گیر بیندازد.

إِن جَهَنَّم كَانَت مِرْصَادَاً (نبأ: ۲۱) مسلّماً جهنّم کمینگاهی است بزرگ، لِلطَّاغِين مَآبَاً (نبأ: ۲۲) و محل بازگشتی برای طغیانگران!

خیلی جالب است که آیه می فرماید: جهنم محل بازگشت است برای طغیانگران، انگار افراد در این دنیای فانی هم از قبل در جهنم بوده اند و با رفتن به جهنم، انگار به جهنم بازگشته اند. محیطهایی که خدا فرموده است نزدیکش نشوید، شباهت زیادی به جهنم دارد و کسانی که وارد این محوطه ها میشوند، جهنم را برای خود در همین دنیا شبیه سازی میکنند و در نهایت جذب جهنم میشوند. زیرا جهنم در کمین است و همه افرادی که به محوطه های قرمز رفته اند و در آنجا مانده و عادت کرده اند را جذب خود میکند. جهنم یک سیستم جذب خیلی قوی است. انگار جهنم سیستم هوشمندی است که میداند کی را بگیرد و کی را نگیرد.

شیطان از طریق ترس و خوف، آدمیان را در جریان غلط می اندازد. جریانهای غلط به محوطه های قرمز منتهی میشوند و حوضه آبریز اینها همان محوطه های قرمز است. این یک واقعیت است که کسی که در جهنمی شدن شرایط این جهان دست داشته باشد، وارد همان شرایط خواهد شد.

کسانی که تصاویر و کلیپهای نامناسب می بینند، وقتی غبار این تصاویر روی صورت و چشم آنها می نشیند، دیگر بینش و بصیرت معنوی آنها هم تحت تاثیر قرار می گیرد و دید معنوی آنها کمتر و ضعیفتر میشود. اشعار یک نوع غبار فکری برای آدمی ایجاد میکنند که او را از پذیرش حقیقت دور نگه میدارند.

در قرآن، دقیقا هفت بار زن لوط را غابرین (غبار رویان = غبار زدگان) می نامد.

فَأَنْجَیْنَاه وَ أَهْلَه إِلاَّ امْرَأَتَه قَدَّرْنَاهَا مِن الْغَابِرِین (نمل: ۵۷)

ما او و خانواده‌اش را نجات دادیم، بجز همسرش که مقدّر کردیم جزء غباررویان (در آن شهر) باشد!

زن لوط جزو غبارّرویان نامیده شده است. او شخصیتی دوسوگرا بود و گرفتار میان دو رویه شده بود؛ زیرا او در محوطه قرمز بود. در ظاهر با لوط زندگی میکرد ولی در مورد کارهای زشت شهر قوم لوط (سدوم) کنجکاو بود. در تورات بیان شده است که همسر لوط با لوط از شهر خارج شد، ولی در لحظات آخر نگاهش به سمت شهر برگشت و همانجا به مجسمه نمک تبدیل شد. نگاه کردن او به پشت سر بخاطر این بود که او در محوطه قرمز بود و تماشاگر کار زشت قوم لوط بود و در نتیجه غبار زده بود. البته در نهایت غبار حاصل از انفجار شهر، او را هم گرفت. این کار بخاطر یک اشتباه ساده نبود، بلکه او سالها با آن فرهنگ خو گرفته بود. پس نتیجه می گیریم که در نزدیکی و محوطه گناهان، غبار روی افراد می نشیند و همین غبار بمرور باعث آلودگی آنها میشود و در نهایت جهنمی میشوند. بخش مهمی از جهنمیان، غبارزدگان هستند. یعنی کسانی هستند که خود اصل گناه را مرتکب نشده اند و بلکه فقط در محوطه قرمز بوده اند.

وَ وُجُوه يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَة (عبس: ٤٠) و صورتهايي در آن روز غبارآلود است،

این آیه در سوره عبس آمده است. مطالب این سوره بیشتر راجع به حالات چهره است. چندین حالت چهره در این سوره بیان شده است؛ تعدادی از آنها را لیست می کنیم:

مُسْفِرَةٌ ، ضَاحِكَةٌ ، مُسْتَبْشِرَةٌ ، غَبَرَةٌ ، قَتَرَةٌ

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ : در آن روز چهره‌هايي درخشانند

ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ : خندان [و] شادانند

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ : و در آن روز چهره‌هايي است كه بر آنها غبار نشسته

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ : [و] آنها را تاریکی و دود پوشانده است

این چند صفت که در مورد حالات صورت صحبت میکنند، تعدادی از آنها خوب و پسندیده است و تعدادی مکروه و یا زشت. همه چیز از حالات چهره شروع میشود که اگر جلوش را همانجا نگیرید، به صفات بعدی منتهی مشود. به قول قرآن، انسانها با چهره هاشان شناخته می شوند (یـعـرف المـجـرمون

بسیماهم). چهره های بعضی ها غبار و دود آن را گرفته است. در محوطه های قرمز، چهره ها غبارآلود میشوند، اگر چه ممکن است در نگاه اول دیده نشود.

در قسمتهای قبل گفتیم که در زبانهای اوستایی و سانسکریتی کلمه ذَنب را دُم می نامند و معنی دود هم می دهد. گناهان ذَنبی دنباله دار است و بمرور تعادل شخصیتی آدمیان را بر هم میزند. وقتی چهره عده ای را غبار و یا دود (غَبَرَةٌ – قَتَرَةٌ) گرفته است، یعنی حالات چهره شخص از بود و نبود تعادل روانی او حکایت میکند.

چرا نباید به بعضی آتشفشانها نزدیک شد؟

زیرا گاهی بعضی آتشفشانها چشمه‌های گدازه را تا ارتفاع ۳۰۰ متری به آسمان پرتاب کرده و حتی ابر خاکستر ناشی از آن تا شعاع ۴۰ کیلومتری هم گسترش پیدا میکند! پس هر چه نزدیکتر شوی، خطراتش جدی تر و گسترده تر می شود. بعضی آتشفشانها حتی بدون فوران، گازهای مرگباری از خود متصاعد میکنند که باعث مرگ خاموش میشود. بعضی آتشفشانها فورانهای ناگهانی و غیرقابل پیش بینی دارند که بسیار سریع صورت می گیرد، طوری که کسی فرصت عکس العمل ندارد. گاهی گدازه ها با سرعت هفت صد کیلومتر در ساعت از دهانه پایین می آیند که هیچ انسان و وسیله نقلیه

ای قادر به فرار نیست. اینها خواص و خطرات یک آتش فشان فعال است و قطعا نزدیک شدن به آن، خریدن این خطرات با جان است.

گناهان هفت گانه ای که خدا به صورت **لاتقربوا** (نزدیک نشوید) از آن یاد کرده است، هم مثل آتشفشان است وقتی کسی به محدوده های خطر آن وارد شود، به معنای قربانی کردن خود است. کسی که وارد این محوطه های خطر می شود، جان و موجودیت خود را قمار کرده است.

موضوعات این گناهان هفت گانه در آیات مربوطه مشخص است:

۱	تِلْك حُدُودُ الله فَلاَ تَقْرَبُوهَا ... (بقره:۱۸۷)	مبحث روزه داری	عبادات نماز و روزه
۳	لاَ تَقْرَبُوا الصَّلاَةَ وَ أَنْتُم سُكَارَي ...	نماز سهوی و سکاری	
۴	لاَ تَقْرَبُوا الْفَوَاحِش مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَن ...	فحشاء ظاهری و باطنی	فواحش و زنا
۶	لاَ تَقْرَبُوا الزِّنَي ...	زنا	
۵	لاَ تَقْرَبُوا مَال الْيَتِيم إِلاَّ بِالَّتِي هِي أَحْسَن ...	مال یتیم	یتیمان و زنان
	لاَ تَقْرَبُوهُن حَتَّي يَطْهُرْن ...	زنان در دوران قاعدگی	
۷	وَ لاَ تَقْرَبَا هَذِه الشَّجَرَة ...	شجره ممنوعه (خُلد و مُلک)	جاودانگی و مالکیت

این هفت محوطه خطر را میتوان به طور کلی به چهار مبحث کلی تر خلاصه کرد. چهار مبحث کلی که خدا آن را به عنوان محدوده های خطرناک توصیف فرموده است و دقت در این محدوده ها را توصیه فرموده اند:

۱- عبادات نماز و روزه (عبادات اصلی نماز و روزه)

۲- فواحش و زنا (فحشاء و زنا و مسائل اخلاقی)

۳- یتیمان و زنان (یتیمان و زنان که معنویت پایینتری دارند و باید در دوران قاعدگی از زنان دوری کرد و همچنین مال یتیمان را مواظب بود. یتیم کسی است که هوش و معنویت پایین تری نسبت به شما دارد و به نوعی زیردست شماست)

۴- جاودانگی و مالکیت (فلسفه کلی زندگی که نباید دنبال جاودانگی و مالکیت بود)

این چهار مبحث را مقداری جزئی تر بررسی می کنیم. مثلا خدا فرموده است که در دوران قاعدگی، به زنان نزدیک نشوید. در این دوران یک جمله کوچک مثل یک جرقه آتشفشانی، زندگی را به تنش می کشد، در حالی که فرد اصلا پیش بینی نمیکرد، این حرف تا این حد گسترش یابد و کار به جنگ و جدال

بکشد. زنان هم باید این خاصیت خود را بشناسند و خودشان در این روزها از مردها دوری کنند تا که مشکلات ناخواسته پیش نیاید. اگر مردان و زنان بین این روزها (روزهای قاعدگی و روزهای عادی) فرقی قائل نشوند، کم کم عادی سازی شده و زنان برای بیرون آمدن از قاعدگی هیچ تلاشی نمی کنند و همچنان در آن حالت می مانند و برای همیشه یک جهنم زناشویی واقعی بوجود خواهد آمد.

حکمت واقعی، نه در قدرت مهار کردن خطرات منطقه ممنوعه است، بلکه در دوری گزیدن از محدوده آن است. خدای رحمان با اعلام این هفت خطر، هدفشان حفظ جان و کرامت خانوادگی و انسانی است. انسان عاقل اصلا وارد محوطه قرمز نمی شود.

در دوران قاعدگی حتی زن گاهی خودش هم نمیداند چرا ناگهان حساس، زود رنج و یا خشمگین شده است. حکمت این دستور که خدا فرموده است در آن روزها به زنان نزدیک نشوید، بخاطر علاج واقعه قبل از وقوع است و جلوگیری از خطراتی که در کمین است. خدا به زنان و مردان می آموزد که فاصله ها را در زمانهای مشخصی مدیریت کنند. زنان و مردان عروسک و یا برده نیستند که همیشه در خدمت باشند. بلکه باید گاهی فاصله ها را دور کرد تا متوجه ماهیت واقعی ارتباطات زن و مرد بشوند.

در قسمت دیگری که فرموده است، به مال یتیمان نزدیک نشوید، توجه کنید که یتیم در قرآن به معنای کسی نیست که والدین ندارد. یتیم معنای بالاتر و مهمتری در قرآن دارد. یتیم کسی است که معنویت و هوش کمتری نسبت به شما دارد و این مساله نسبی است. یتیم به معنای کسی است که هوش اجتماعی و معنوی او پایینتر از شماست و بنابراین میتوان براحتی سر او کلاه گذاشت و یا حتی میتوان او را به راحتی به راه راست هدایت کنید.

نزدیک شدن به محوطه های خطر هفتگانه بالایی، از اصل گناه خطرناکتر است. زیرا نزدیک شدن به این گناهان ممکن است سالها طول بکشد و این همه سال، فرد وقت تلف میکند و با ان وهم زندگی میکند و در واقع سربریدن با پنبه است. در جبهه مقابل، یعنی جبهه رحمانی، انتظار و بشارت (مُسْتَبْشِرَة) بزرگترین خوشبختی بهشتیان است که به آنها خوشبختی زیادی میدهد. اتفاقا در کنار آیه غبارزدگان آمده است.

ضَاحِكَة مُسْتَبْشِرَة (عبس: ۳۹) خندان و مسرور است

سوره عبس در مورد حالات چهره است و از غبار رویان هم صحبت فرموده است. توصیه میکنم که یکبار دقیق این سوره را بخوانید و حالات چهره ای که بیان شده است را مرور کنید.

در مورد محوطه خطر دیگر که عبادات نماز و روزه است، توجه کنید که از دست دادن روزه و نماز عمدی کفاره ندارد، زیرا قابل جبران نیست. روزه ای که غیر عمد خورده شود، کفاره اش یک روز از روزهای دیگر است. اما خدا در مورد کفاره خوردن عمدی روزه ماه رمضان چیزی نگفته است، زیرا قابل جبران نیست. قرآن علاوه بر آنکه کتاب کاملی است، کتاب مفصلی هم هست. هر چیزی که خدا در قرآن می فرمایند، به منظوری است و اگر چیزی را هم ذکر نکنند، باز به منظوری است.

أَفَغَيْرَ اللهِ أَبْتَغِي حَكَماً وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُم الْكِتَاب مُفَصَّلاً وَالَّذِين آتَيْنَاهُم الْكِتَاب يَعْلَمُون أَنَّه مُنَزَّل مِنْ رَبِّك بِالْحَق فَلاَ تَكُونَن مِن الْمُمْتَرِين (انعام: ۱۱۴)

(با این حال،) آیا غیر خدا را به داوری طلبم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن آمده، به سوی شما فرستاده است و کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده‌ایم می‌دانند این کتاب، بحق از طرف پروردگارت نازل شده بنا بر این از تردیدکنندگان مباش!

شصت روز روزه کفاره که در قرآن فرموده است برای خوردن عمدی روزه نیست و بلکه برای کفاره قتل غیرعمد است (نساء آیه ۹۲).

خوردن عمدی روزه کفاره ندارد، زیرا خوردن عمدی روزه، شکستن حدود الهی است و نمی توان آن را جبران کرد. خدا نمی خواهد که افراد وارد محوطه قرمز شوند و عادی سازی کنند و بعد از مدتی بخواهند با پول جبران کنند. این یک نوع دهن کجی نسبت به دستورات خدای رحمان است.

یکی دیگر از خصوصیات محوطه های ممنوعه:

نزدیک بعضی محوطه ها نباید بشویم زیرا در آن محوطه ها معیارها برعکس است؛ مثلا پرخوری میشود. برای فهم این موضوع به مثالهای زیر توجه کنید:

مثال ۱: در مناطقی که احتمال انتشار رادیواکتیو هست، قرصهای مخصوصی به آنها میدهند تا که غده تیروئیدشان پرشود و آسیب نبینند. پر شدن غده تیروئید یک نوع پرخوری است. اما در آن محوطه ها افراد مجبورند که پرخوری کنند. محیطهایی که خدا فرموده است نزدیکش نشوید، محوطه هایی هستند که افراد غبار زده میشوند و احتمال انتشار رادیواکتیو (غبار) در آنجا هست. کسی که نزدیک این محوطه ها شود، مجبور است که پرخوری روانی و جسمی کند و نمی تواند جلو خودش را بگیرد. به همین خاطر است که در

این محوطه ها افراد روزی دو سه ساعت و یا حتی بیشتر مشغول دید زدن انواع کلیپهای با ربط و بی ربط میشوند. در این محوطه ها، اسراف و پرخوری نه تنها عیب نیست، بلکه تشویق هم میشود!

مثال ۲: بدن انسان اگر ذخیره آهن کافی داشته باشد، جذب سرب از دستگاه گوارش را به شدت کاهش میدهد. به همین دلیل، در مناطقی که آلودگی سرب (در نزدیکی کارخانه های باتریسازی و رنگسازی و ...) وجود دارد، به کودکان و کارگران آن مناطق، مکمل آهن داده میشود تا ذخیره آهن بدنشان پُر شود و سرب وارد شده به بدن آنان، جذب نشده و دفع گردد. این نوع پرخوری به این دلیل رخ میدهد که این افراد در محوطه خطر زندگی می کنند. این یک مثال مادی است. در محوطه های تقربوا هم چنین خطراتی یافت میشود.

مثال ۳: استرانسیم-۹۰ یکی از محصولات خطرناک شکافت هسته ای است که در حوادث اتمی منتشر میشود. این ماده از نظر شیمیایی بسیار شبیه به کلسیم است و اگر بدن کمبود کلسیم داشته باشد، اشتباها استرانسیم را به جای کلسیم جذب کرده و در استخوانها ذخیره میکند که خطر سرطان استخوان دارد. بنابراین، در مناطق با آلودگی رادیواکتیو، مصرف مکمل کلسیم برای پُر کردن جایگاههای جذب استخوان تجویز میشود تا استرانسیم جذب

نشود. البته مصرف بیش ازحد کلسیم میتواند به کلسیفیکیشن عروق، سنگ کلیه و مشکلات دیگر منجر شود. در این مناطق، هم درد و هم درمان هر دو دردسر هستند، زیرا دستکاری غیرطبیعی چنین مشکلاتی را با خود دارد.

با این مثالها متوجه می شویم که در محوطه های خطر انسان جای خالی را با ماده دیگری پُر میکند تا ماده مضر نتواند بنشیند. اینها هیچکدام پرخوری به معنای عرفی آن نیستند، بلکه یک تدبیر ناچاری پزشکی برای فریب دادن سیستم بیولوژیکی بدن هستند تا از یک فاجعه بزرگتر جلوگیری شود. که البته حتی این روشها هم بدون ضرر نیستند و باعث به هم خوردن تنظیمات بدن میشوند. البته در این گونه موارد ناچاری است و چاره ای جز آن نیست. در محوطه ها خطر هفت گانه ای که خدا فرموده است نزدیک نشوید، خطراتی این چنینی وجود دارند. یکی از خصوصیات جهنم هم پر بودن و پر خوردن است. اینجا متوجه می شویم که چرا محوطه های ممنوعه و قرمز شبیه جهنم هستند. پرخوری های داخل جهنم هم بخاطر خطرات اینچنینی است که افراد داخل جهنم بخاطر ترس از خطرات دیگر، مجبور به پرخوری میشوند.

مثالهای دیگر:

در برخی درمانهای اختلال وسواس، به بیمار توصیه میشود که برنامه روزانه خود را آنقدر شلوغ و پر از فعالیتهای مشخص کند که زمان خالی ذهن برای

وسواس فکری باقی نماند. در اینجا پُر کردن وقت با کارهای در ظاهر مثبت، از خطر غرق شدن در چرخه اجبار و وسواس جلوگیری میکند. البته هیچکدام از این روش حلها اصولی نیستند و بلکه مشکل اصلی با بیرون کشیدن از محوطه خطر رفع میشود.

یا اینکه مردم بوسیله آهنگها و کلیپها و فیلمها، مسیرهای عصبی خود را پر میکنند تا حواسشان جای خطر نرود. این روشها بر این مبنا استوارند که ذهن انسان نمیتواند همزمان روی دو موضوع متضاد به طور کامل متمرکز شود؛ پس یک مسیر ایمن را اشغال میکنند تا مسیر خطرناک غیرفعال بماند. اگر چه بعضی مواقع در این دنیا، استفاده از این روشها ناچاری است، مثل خطرات رادیو اکتیو و خطرات شیمیایی محل کار؛ اما در سایر موارد مشکلاتی است که خود افراد برای خود بوجود می آورند و هیچ بهانه ای ندارند.

مثلا در افراط در ویوی تصاویر و کلیپها، واقعا پرخوری غیر ضروری است و هیچ فرضیه ای نمی تواند آن را توجیه کند. فرضیه کیسه بوکس اشتباه است. یعنی مسیر عصبی را با یک نوع پرخاشگری الکی پر کنید تا مرتکب پرخاشگری واقعی نشوید. اما خدا کاظمین غیظ را توصیه میکند. یعنی اتفاقا نباید این روشهای الکی را بکار برید و بلکه باید خود را کنترل کنید و حتی به

شوخی هم شده وارد محوطه های قرمز نشوید. یعنی مهار خشم از طریق نادیده گرفتن عمدی و خویشتنداری، نه از طریق برونریزی خشم.

الَّذِين يُنْفِقُون فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِين الْغَيْظ وَالْعَافِين عَن النَّاس وَاللهُ يُحِب الْمُحْسِنِين (آل‌عمران: ۱۳۴)

همانها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

به نظر من کارهایی که در جهنم انجام میشود، به همین طریق است. یعنی پرخوری میکنند تا که از خطرات دیگر رهایی یابند. جهنم به عنوان همین نوع غفلت و ترس توصیف میشود: انسانها در این دنیا آنقدر درگیر خواسته های افراطی خود هستند که حتی متوجه نمیشوند این خواسته ها مقدمه ایجاد جهنم است.

پناه بردن به کلیپهای بی پایان در فضای مجازی، اشتغال به شایعات مجازی و حتی عبادتهای قالبی که از روی عادت انجام میشوند، همگی مصادیقی از پُر خوری هستند. قرآن این وضعیت را با عبارت أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُر (تکاثر، شما را

به خود مشغول کرد) توصیف میکند. در اینجا، تکاثر تنها به مال و اولاد محدود نیست، بلکه شامل جمع آوری و انبار کردن اطلاعات، محرکهای صوتی و تصویری و مشغله های ذهنی نیز می شود. شبکه های اجتماعی کنونی حتی در رفتار مجازی افراد دقت کرده و سعی در پر کردن جاهای خالی افراد میکنند و به این طریق آنان را جذب میکنند. کسی که در کلیپها و مرور فضای مجازی پرخور است، جاهای خالی زیادی دارد و هر لحظه میتواند پذیرای دیگران باشد و خود را در معرض هک قرار دهد. تمام این خطرات جانی و روانی فقط در محوطه قرمز رخ میدهند و اگر کسی وارد این محوطه ها نشود، اصلا برایش پیش نخواهد آمد.